

# امنیت فضای مجازی و دفاع الکترونیکی

جلسه سی و یکم  
فصل سوم: احکام امنیت فضای مجازی  
۹۵/۱۰/۲۳



قول اول: ربع دینار قول مشهور

قول دوم: خمس دینار از مرحوم صدوق قول به خمس دینار نقل شده است.

برخی از متأخرین قائل به خمس دینار

قول سوم ثلث دینار: (رساله توضیح المسائل، فیاض، ص ۶۶۶)

### قول به ثلث دينار:

المشهور بين الأصحاب: أنه يعتبر في القطع أن تكون قيمة المسروق ربع دينار (و الدينار عبارة عن ثماني عشرة حمصة من الذهب المسكوك) و قيل يقطع في خمس دينار، و لكن الأظهر أنه يقطع في ثلث دينار، و السبب فيه أن ما دل على ذلك فقد جاء بهذا اللسان في جواب السؤال: كم يقطع السارق «أدناه على ثلث دينار»، فإنه ناص في القطع على الثلث بالمطابقة، و عدم القطع على ما دونه بالالتزام، و عليه فيعارض بمدلوله الالتزامي ما دلّ على أنه يقطع على ربع دينار، و ما دلّ على أنه يقطع على خمس دينار، كما أن الأول منهما يعارض الثاني بنفس هذه الطريقة، و على هذا فيسقط الكل من جهة المعارضة، و عندئذ فلا دليل على أنه يقطع على الربع و لا على الخمس، فيتعين حينئذ الأخذ بما دل على أنه يقطع على الثلث فحسب، حيث أنه لا معارض له في مدلوله هذا (و هو مدلوله المطابقي).

### نقد قول به ثلث دینار:

اما اشکالی که بر این قول وارد است مربوط به روایت محمد بن مسلم است. روایت محمد بن مسلم نص در قطع در ربع دینار است و همچنین نص در نفی قطع در کمتر از ربع دینار است بنابر این به مدلول مطابقی و نه التزامی نفی قطع در اقل از ربع را نیز شامل می‌شود و با مدلول مطابقی خود معارض با مدلول مطابقی روایات خمس دینار است.

—مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي كَمْ يُقَطَّعُ السَّارِقُ فَقَالَ فِي رُبْعِ دِينَارٍ قَالَ قُلْتُ لَهُ فِي دِرْهَمَيْنِ فَقَالَ فِي رُبْعِ دِينَارٍ بَلَغَ الدِّينَارُ مَا بَلَغَ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ أَرَأَيْتَ مَنْ سَرَقَ أَقْلًا مِنْ رُبْعِ دِينَارٍ هَلْ يَقَعُ عَلَيْهِ حِينَ سَرَقَ اسْمُ السَّارِقِ وَ هَلْ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ سَارِقٌ فِي تِلْكَ الْحَالِ فَقَالَ كُلُّ مَنْ سَرَقَ مِنْ مُسْلِمٍ شَيْئًا قَدْ حَوَاهُ وَ أَحْرَزَهُ فَهُوَ يَقَعُ عَلَيْهِ اسْمُ السَّارِقِ وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ سَارِقٌ وَ لَكِنْ لَا يُقَطَّعُ إِلَّا فِي رُبْعِ دِينَارٍ أَوْ أَكْثَرَ وَ لَوْ قُطِعَتْ أَيْدِي السُّرَّاقِ فِيمَا هُوَ أَقْلٌ مِنْ رُبْعِ دِينَارٍ لَأُلْفِيَتْ عَامَّةُ النَّاسِ مُقَطَّعِينَ.

و چون این روایت در نفی قطع در اقل از ربع صراحت دارد جمع مذکور در کلام ایشان جمع عرفی نیست.

### قول به صحت همه روایات:

ممکن است مقدار حد سرقت را از اختیارات ولایت بدانیم به همین جهت در موارد مختلف متفاوت است بین ثلث و ربع و خمس دینار و ما در این مقدار نوسان را از اختیارات ولایت امر بدانیم که به حسب مورد، زمان و مکان آن را تعیین کند. و این بهترین قول برای رفع اختلاف بین روایاتی است که به وضوح با هم تعارض دارند. به عبارت دیگر به جای این که به دنبال آن باشیم که یکی از این دسته روایات را بر دیگری ترجیح دهیم بگوییم همه آنها درست است فقط موارد زمانها و مکانهای آنها حسب نظر ولی امر و مصلحت سنجی او در آنها، متفاوت بوده است. و این نکته کلی از کلام شیخ طوسی نیز در ذیل احادیث قابل استفاده است:



### اشکال قول به ولایی بودن تشخیص مقدار مسروق:

اما در نهایت این قول را نمی‌توان پذیرفت چون شواهد متقنی بر حمل روایات بر ولایی بودن حد مسروق یافت نشد. به ویژه آن که امام علیه السلام می‌توانستند بگویند که «ذاک الی امام المسلمین یا خلیفة المسلمین بین الثلث و الخمس» ولی چنین تعبیری نیاورده‌اند بلکه حدود مختلف را در روایات مختلف بیان کرده‌اند و در بخش عمده‌ای از روایات نیز سؤال از قاعده کلی شده و نه از واقعه و رویدادی خاص، همین امر حمل مذکور را مستبعد می‌سازد.

اقول اهل سنت:

### ۱ - قول به دینار کامل:

دو نوع روایت در باره دینار کامل یا معادل آن به ده درهم نقل شده است:

نوع اول: - حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ وَمُحَمَّدُ بْنُ أَبِي السَّرِيِّ الْعَسْقَلَانِيُّ - وَهَذَا لَفْظُهُ وَهُوَ أَتَمُّ -  
قَالَا حَدَّثَنَا ابْنُ نُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ مُوسَى عَنْ عَطَاءٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَطَعَ  
رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَدَ رَجُلٍ فِي مِجَنٍّ قِيمَتُهُ دِينَارٌ أَوْ عَشْرَةُ دَرَاهِمٍ. قَالَ أَبُو دَاوُدَ  
رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ سَلَمَةَ وَسَعْدَانُ بْنُ يَحْيَى عَنْ ابْنِ إِسْحَاقَ بِإِسْنَادِهِ.

أَخْبَرَنَا هَارُونُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا الْأَسْوَدُ بْنُ عَامِرٍ قَالَ أَنْبَأَنَا الْحَسَنُ بْنُ حَيٍّ عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ  
الْحَكَمِ عَنْ عَطَاءٍ وَمُجَاهِدٍ عَنْ أَيْمَنَ قَالَ يُقَطَّعُ السَّارِقُ فِي ثَمَنِ الْمِجَنِّ وَكَانَ ثَمَنُ الْمِجَنِّ عَلَى عَهْدِ  
رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - دِينَارًا أَوْ عَشْرَةَ دَرَاهِمٍ

- روایاتی به این مضمون اینجا هست که دلالت بر این دارد که حد قطع دست قیمت سپر تعیین شده و آن را برابر یک دینار یا ده درهم تعیین کرده است. علاوه بر این تردید است که ایمن بن ام ایمن بدون واسطه بتواند عهد نبوی را نقل کند.
- در این نوع روایت فقط رویدادی مربوط به عهد رسول الله صلی الله علیه و آله نقل شده است و حدی معین نشده است.

ولی نوع دوم احادیثی است که تعیین حد کرده و اقل آن را ده درهم قرار داده است:

- حَدَّثَنَا ابْنُ إِدْرِيسَ، حَدَّثَنَا ابْنُ إِسْحَاقَ، عَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ: "أَنَّ قِيَمَةَ الْمَجَنِّ كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَشْرَةَ دَرَاهِمَ." (مسند احمد بن حنبل، ج ۱۱، ص ۲۸۱)

- حَدَّثَنَا نَصْرُ بْنُ بَابٍ، عَنْ الْحَجَّاجِ، عَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "لَا قَطْعَ فِيمَا دُونَ عَشْرَةِ دَرَاهِمَ" (مسند احمد بن حنبل، ج ۱۱، ص ۵۰۲)

ضمن این که عمرو بن شعیب نزد خود اهل سنت فردی غیر قابل اتکاست چون کتابی بدستش رسیده و از پدرش از جدش نقل کرده در حالی که احادیث کمی را شنیده است. همچنین از خود احمد بن حنبل که این حدیث را آورده نقل شده که او احادیث منکری دارد و تنها برای توجه به نقل روایات او را آورده نه از باب این که حجت باشد. (الافصاح، ج ۳، ص ۲۶۸)

و قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الْمِيمُونِي : سَمِعْتُ أَحْمَدَ بْنَ حَنْبَلٍ يَقُولُ : عَمْرُو بْنُ شُعَيْبٍ لَهُ أَشْيَاءُ مَنَاقِيرٌ ، وَإِنَّمَا يَكْتُبُ حَدِيثَهُ يَعْتَبِرُ بِهِ ، فَأَمَّا أَنْ يَكُونَ حُجَّةً فَلَا . (تهذيب الكمال، ج ۲۲، ص ۶۸)

همچنین عمرو بن شعیب را فردی مذموم و ملعون دانسته‌اند چون وقتی عمر بن عبدالعزیز لعن حضرت امیر علیه السلام را منع کرد او را تقبیح کرد. (مستدرکات علم رجال الحديث، ج ۶، ص ۴۴) همچنین عمرو بن شعیب نوه‌ای به نام محمد بن اسحاق داشته است و او فردی مدلس است که نقل کرده‌اند احادیث را جعل می‌کرده (مسند احمد بن حنبل، ج ۱۱، ص ۲۸۱، پاورقی)

پس این حدیث حتی نزد خود احمد بن حنبل که ناقل حدیث است نیز معتبر نیست.



اقول اهل سنت:

۱ - قول به دینار کامل:

اما به هر حال این قول ابو حنیفه و اصحاب او عطاء و سائر فقهای اهل سنت عراق بوده و مستندشان حدیث ابن عباس است. آنها معتقدند که این روایات بر روایات ربع دینار ترجیح دارد چون موافق احتیاط است و در حدود قاعده دفع شبهه جاری می شود. این مطلب از ابن عربی نیز نقل شده و گفته است که سفیان نیز قائل به همین قول است. در پاسخ به این قول گفته اند که این روایات که از ابن عباس و عمر بن شعیب نقل شده همگی در اسنادش محمد بن اسحاق قرار دارد و او فردی مدلس بوده و نباید به مثل او احتجاج کرد.

## ۲- قول به ربع دینار:

این روایات مشهورترین روایات اهل سنت است که عمدتاً از عائشه نقل شده است و تمامی منابع اهل سنت نیز آن را نقل کرده‌اند. در اینجا نیز دو نوع روایت وجود دارد. دسته اول این که رویدادی خاصی را نقل می‌کند در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله که در ربع دینار قطع دست کردند.

- حَدَّثَنَا عَبْدُ الصَّمَدِ، قَالَ: حَدَّثَنَا حَرْبٌ، قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَنْصَارِيُّ، أَنَّ عَمْرَةَ، أَخْبَرَتْهُ أَنَّ عَائِشَةَ أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ حَدَّثَتْهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: تُقَطَّعُ الْيَدُ فِي رُبْعِ دِينَارٍ

## ۲- قول به ربع دینار:

دسته دوم روایاتی است که به صراحت یا به طور ضمنی تعیین حدود کرده است:

- حَدَّثَنَا عَتَّابٌ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ يَعْنِي ابْنَ الْمُبَارَكِ، أَخْبَرَنَا يُونُسُ، عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ: قَالَتْ عَمْرَةُ بِنْتُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ: عَنْ عَائِشَةَ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: تُقَطَّعُ يَدُ السَّارِقِ فِي رُبْعِ دِينَارٍ فَصَاعِدًا.

- حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا يَزِيدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِي بَكْرٍ بْنِ حَزْمٍ، عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا تُقَطَّعُ الْيَدُ إِلَّا فِي رُبْعِ دِينَارٍ فَصَاعِدًا.



### ۳- قول به سه درهم :

احادیث متعددی از نافع غلام عبدالله بن عمر از عبدالله بن عمر نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله در سپری که سه درهم قیمتش بوده قطع دست کرده است.

- حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ حَدَّثَنِي مَالِكُ بْنُ أَنَسٍ عَنْ نَافِعٍ مَوْلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا - أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَطَعَ فِي مِجَنٍّ ثَمَنُهُ ثَلَاثَةُ دَرَاهِمٍ.
- در برخی از این احادیث به جای «ثمنه» کلمه «قیمته» آمده است

### ۳- قول به سه درهم :

- از آنجا که هر دینار در عهد رسول الله دوازده دینار بوده است این روایات با روایات ربع دینار هم معنا می شود و شاهد این تساوی روایتی است که در مسند احمد بن حنبل آمده است:

- حَدَّثَنَا هَاشِمٌ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدٌ يَعْنِي ابْنَ رَاشِدٍ، عَنْ يَحْيَى بْنِ يَحْيَى الْغَسَّانِيِّ، قَالَ: قَدِمْتُ الْمَدِينَةَ، فَلَقِيتُ أَبَا بَكْرٍ بْنَ مُحَمَّدٍ بْنَ عَمْرٍو بْنَ حَزْمٍ وَهُوَ عَامِلٌ عَلَى الْمَدِينَةِ، قَالَ: أُتِيتُ بِسَارِقٍ، فَأَرْسَلْتُ إِلَيَّ خَالَتِي عَمْرَةَ بِنْتُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، أَنْ لَا تَعْجَلَ فِي أَمْرِ هَذَا الرَّجُلِ حَتَّى آتِيكَ، فَأُخْبِرَكَ مَا سَمِعْتُ مِنْ عَائِشَةَ فِي أَمْرِ السَّارِقِ، قَالَ: فَأَتَتْنِي، وَأَخْبَرَتْنِي أَنَّهَا سَمِعَتْ عَائِشَةَ، تَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: اقْطَعُوا فِي رُبْعِ الدِّينَارِ، وَلَا تَقْطَعُوا فِيمَا هُوَ أَذْنَى مِنْ ذَلِكَ"، وَكَانَ رُبْعُ الدِّينَارِ يَوْمَئِذٍ ثَلَاثَةَ دَرَاهِمَ، وَالدِّينَارُ اثْنِي عَشَرَ دِرْهَمًا، قَالَ: وَكَانَتْ سَرِقَتُهُ دُونَ رُبْعِ الدِّينَارِ، فَلَمْ أَقْطَعْهُ.

### ۳- قول به سه درهم :

همچنین در روایت دیگر آمده است که هر دوازده درهم به یک دینار تبدیل می‌شده است که بدان معناست که سه درهم معادل ربع دینار است.

مَالِكُ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَمْرَةَ بِنْتِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، أَنَّ سَارِقًا سَرَقَ فِي زَمَانِ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ أُتْرِجَّةً فَأَمَرَ بِهَا عُثْمَانُ بْنُ عَفَّانَ أَنْ تُقَوَّمَ. فَقَوِّمَتْ بِثَلَاثَةِ دَرَاهِمٍ. مِنْ صَرَفِ اثْنَيْ عَشَرَ دِرْهَمًا بِدِينَارٍ. فَقَطَعَ عُثْمَانُ يَدَهُ.

اترجه به معنای ترنج یا بالنگ است.

بنابر این روایات سه درهم معادل روایات ربع دینار است و با آنها فرقی ندارد.



#### ۴- قول به پنج درهم:

این قول در کتاب سنن نسائی نقل شده است.

- أَخْبَرَنَا عَبْدُ الْحَمِيدِ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا مَخْلَدٌ قَالَ حَدَّثَنَا حَنْظَلَةُ قَالَ سَمِعْتُ نَافِعًا قَالَ سَمِعْتُ [عَبْدَ اللَّهِ] بْنَ عُمَرَ قَالَ: قَطَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي مِجَنٍّ قِيمَتُهُ خَمْسَةُ دَرَاهِمٍ.
- أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ نَصْرِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْوَلِيدِ قَالَ حَدَّثَنَا سُفْيَانُ عَنْ شُعْبَةَ عَنْ قَتَادَةَ عَنْ أَنَسٍ قَالَ: قَطَعَ أَبُو بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي مِجَنٍّ قِيمَتُهُ خَمْسَةُ دَرَاهِمٍ.

این روایات، با روایات ربع دینار یا سه درهم (بنابر این که هر دینار دوازده درهم باشد) که از عبدالله ابن عمر نقل شده است نیز سازگار است چون شاید قطع به پنج درهم به دلیل آن بوده که از ربع دینار یا سه درهم بیشتر بوده است و در این روایات از نوع دوم که تحدید حد کرده باشد نقل نشده است. بنابر این دسته جدیدی تلقی نمی‌شود.

#### ۴- قول به پنج درهم:

مگر در یک روایت غیر معروف:

- أَخْبَرَنَا عَمْرُو بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ [بْنُ مَهْدِيٍّ] قَالَ حَدَّثَنَا هَمَّامٌ عَنْ قَتَادَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الدَّانَاجِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: لَا تُقْطَعُ الْخَمْسُ إِلَّا فِي خَمْسٍ.

این روایت قبل از سنن نسائی (م. ۳۰۳) در منابع اهل سنت یافت نشده است. و در بین قدمای اهل سنت ابن شُبْرُمَه و ابن ابی لیلی که از فقهای زمان امام صادق علیه السلام بوده‌اند و حسن بصری قائل به این قول بوده‌اند.

## ۵- قول به ثلث دینار یا نصف دینار:

روایات دیگری نیز در سنن نسائی (م. ۳۰۳) نقل شده که در کتب قبل از آن یافت نمی‌شود:

— أَنبَأَنَا هَارُونُ بْنُ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنِي خَالِدُ بْنُ بَزَّارٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ مَبْرُورٍ عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ شِهَابٍ أَخْبَرَنِي عُرْوَةُ عَنْ عَائِشَةَ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا تُقْطَعُ الْيَدُ إِلَّا فِي ثَمَنِ الْمَجْنِّ ثُلْثِ دِينَارٍ أَوْ نِصْفِ دِينَارٍ فَصَاعِدًا.

خود اهل سنت این روایت را منکر دانسته‌اند.

ضمن این که این روایت معنای محصلی ندارد چون معنا ندارد که اقل حدّ مردد بین ثلث دینار و نصف دینار باشد. ضمن این که این حدیث تا قبل از سنن نسائی (م. ۳۰۳) در کتب حدیثی اهل سنت وجود نداشته است. ممکن است تردید از راوی باشد که این امر نیز روایت را مخدوش می‌سازد



## ۶- قول به چهار درهم:

این قول قول نادری است و بنابر صرف یک دینار به دوازده درهم با قول به ثلث دینار یکی می‌شود.

- أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ إِسْحَاقَ قَالَ حَدَّثَنِي قُدَامَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ أَخْبَرَنِي مَخْرَمَةُ بْنُ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَمِعْتُ عُثْمَانَ بْنَ الْوَلِيدِ يَقُولُ سَمِعْتُ عُرْوَةَ بْنَ الزُّبَيْرِ يَقُولُ كَانَتْ عَائِشَةُ تُحَدِّثُ عَنْ نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ [أَنَّهُ] قَالَ: لَا تُقْطَعُ الْيَدُ إِلَّا فِي الْمِجَنِّ أَوْ ثَمَنِهِ وَ زَعَمَ أَنَّ عُرْوَةَ قَالَ الْمِجَنُّ أَرْبَعَةُ دَرَاهِمٍ قَالَ وَ سَمِعْتُ سُلَيْمَانَ بْنَ يَسَارٍ يَزْعُمُ أَنَّهُ سَمِعَ عَمْرَةَ تَقُولُ سَمِعْتُ عَائِشَةَ تُحَدِّثُ أَنَّهَا سَمِعَتْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لَا تُقْطَعُ الْيَدُ إِلَّا فِي رُبْعِ دِينَارٍ فَمَا فَوْقَهُ.

- این روایت نیز نقل گمان راوی است و قابل استشهاد نیست. ضمن این که هیچ حدیث دیگری نیز قبل از سنن نسائی (م. ۳۰۳) به این مضمون نقل نشده است. از بین فقهای اهل سنت ابوهریره و ابو سعید قائل به این قولند

- اقوال دیگر اهل سنت نیز دارای مستندات موجهی نیست.

### نکاتی برای نتیجه گیری:

□ اول: به دو صورت می‌توان حکم به درستی همه روایات کرد: اول این که شواهدی تاریخی اقامه شود که ربع دینار زمان امام صادق علیه السلام معادل خمس دینار زمان امام باقر علیه السلام باشد. اما شواهد تاریخی اقامه شده برای معادله ربع دینار زمان امام صادق علیه السلام با خمس دینار زمان امام باقر علیه السلام درست نیست و مطابق با واقعیات تاریخی نیست، بلکه آنچه از تاریخ ممکن است استفاده گردد عکس آن است.

□ دوم این که اختلاف در روایات را بر اختلاف شرائط زمانی، مکانی و موارد حکم حمل کنیم و بگوییم تعیین هر یک از آنها موکول به نظر ولایی امام علیه السلام یا منصوبین از طرف ایشان است. این احتمال گرچه فی نفسه احتمال موجهی است اما شواهد متنی و تاریخی قابل قبولی برای آن وجود ندارد.

### نکاتی برای نتیجه گیری:

□ سوم: به دو صورت می‌توان حکم به درستی یک دسته از روایات مختلف کرد. یکی این که به قرائن متنی، برخی روایات را بر صدور بر مبنای تقیه حمل کنیم. اشکال اصلی بر تقیه‌ای بودن روایات این است که اقوال اهل سنت در اینجا متعدد و متفرق است و وجهی ندارد که در این موارد کلمات امام را حمل بر تقیه کنیم. ولی اگر بخواهیم تقیه‌ای بودن را بپذیریم با توجه به روایات اهل سنت باید بگوییم: در بین اهل سنت سه قول مشهور وجود دارد: اول دینار کامل که بنابر برخی روایات با روایات ده درهم معادل است. دوم قول به ربع دینار و سوم قول به سه درهم که بنابر صرف یک دینار به دوازده درهم با قول دوم یکی می‌شود. احتمال تقیه‌ای بودن قول به ربع دینار از همه بیشتر است چون اولاً منشأ اصلی این قول در بین اهل سنت روایات کثیری است که همه از عائشه نقل شده است. و ثانیاً قول عبدالله بن عمر که دومین قول مشهور بین اهل سنت است یعنی سه درهم، با صرف یک دینار به دوازده درهم یکی می‌شود. و ثالثاً در بین روایات ما، سکوت امام علیه السلام در مقابل سؤال از حداقل حدّ در روایات ربع دینار آمده است که می‌توان آن را حمل بر تقیه انکاری کرد یعنی امام پاسخ نداده‌اند چون اصل بیان ربع دینار بر مبنای تقیه بوده است. بنابر این احتمال تقیه‌ای بودن روایات ربع دینار از همه بیشتر است.



### نکاتی برای نتیجه گیری:

□ قول به ثلث دینار از اهل سنت نقل نشده مگر در روایتی تردیدی بین ثلث یا نصف دینار از عائشه و این روایت ضمن این که معنای محصلی ندارد چون معنا ندارد که اقل حدّ ثلث یا نصف باشد، علاوه بر آن بسیار غریب است چون در کتب حدیثی قبل از سنن نسائی (م. ۳۰۳) یافت نگردید. احتمال تقیه‌ای بودن آن از این نظر از همه کمتر است. ممکن است سکوت امام علیه السلام بعد از تعیین ثلث دینار در پاسخ به سؤال از اقل حدّ، تقیه تأییدی باشد به این معنا که چون ثلث دینار با روایت ربع دینار اهل سنت نیز سازگار است چون بیشتر از آنست لذا حضرت پاسخ صریح به این که حداقل ثلث دینار است نداده تا قولشان با قول مشهور اهل سنت که از عائشه نقل شده در تعارض نباشد. بنابر این قول به ثلث دینار با استدلال به احتمال تقیه قابل خدشه نیست.

□ قول به خمس دینار نیز در بین اهل سنت قول مهجوری است و تنها در روایتی از سنن نسائی (م. ۳۰۳) به بعد در کتب اهل سنت راه یافته است. بنابر این احتمال تقیه‌ای بودن آن نیز منتفی است. خلاصه آن که اگر بخواهیم به دلیل تقیه‌ای بودن برخی روایات را کنار نهیم، باید روایت ربع دینار را تقیه‌ای بدانیم و یکی از دو دسته روایات خمس دینار یا ثلث دینار را اخذ کنیم.

## نکاتی برای نتیجه‌گیری:

❑ چهارم: در بحث از تعادل و ترجیح آنچه مورد تأیید است ترجیح به موافقت با کتاب و مخالفت با عامه است. اینجا از قواعد تعادل و ترجیح نمی‌توان استفاده کرد چون موافقت با قرآن و مخالفت با عامه نیز محقق نیست. گفتیم که آیه قرآنی در اینجا در مقام بیان نیست تا آن را قرینه‌ای بر روایات ربع دینار بگیریم. مخالفت با عامه نیز در جایی است که قول عامه منحصر باشد بنابر این از راه قواعد تعادل و ترجیح نیز نمی‌توان یک دسته از روایات را بر روایات دیگر ترجیح داد. قول به خمس دینار نیز در بین اهل سنت قول مهجوری است و تنها در روایتی از سنن نسائی (م. ۳۰۳) به بعد در کتب اهل سنت راه یافته است. بنابر این احتمال تقیه‌ای بودن آن نیز منتفی است. خلاصه آن که اگر بخواهیم به دلیل تقیه‌ای بودن برخی روایات را کنار نهیم، باید روایت ربع دینار را تقیه‌ای بدانیم و یکی از دو دسته روایات خمس دینار یا ثلث دینار را اخذ کنیم.

## نکاتی برای نتیجه‌گیری:

□ پنجم: روایات با هم متعارضند و راه‌حلی برای رفع تعارض و ترجیح یک دسته از آنها بر دسته دیگر یافت نشد. بنابر این حتی اگر در تعارض بین روایات به دلیل اجماع به تخییر اصولی قائل شدیم در اینجا باید احتیاط اعمال کنیم چون در باب حدود اصل بر احتیاط و درء شبهات است. بنابر این باید به حداکثر قطعی اخذ کنیم و آن عدم قطع در کمتر از ثلث دینار است. چون ثلث دینار بیشترین مقداری است که روایات صحیح دارد.



والحمد لله رب العالمين